



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

عزت و ذلت  
از دیدگاه  
نهج البلاغه



نویسنده: محمد تقی فلسفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عزت و ذلت از دیدگاه نهج البلاغه

نویسنده:

محمد تقی فلسفی

ناشر چاپی:

بنیاد نهج البلاغه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	عزت و ذلت از دیدگاه نهج البلاغه
۶	مشخصات کتاب
۶	مسئله عزت و ذلت در آیین مقدس اسلام
۷	عزت نفس آسیب ناپذیر علی در نهج البلاغه
۷	اشاره
۷	علی و مال
۷	علی و مقام
۸	علی و اقبال و ادبار مردم
۸	علی و تملق گویان
۸	علی و عرصه پیکار
۸	عزت مطلق مختص ذات اقدس الهی
۹	عزت انسان در نهج البلاغه
۱۱	علل تغییر عزت و ذلت در جامعه
۱۱	اشاره
۱۱	انقلاب
۱۳	جهاد
۱۷	رابطه حکومت و مردم
۱۸	پاورقی
۱۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## عزت و ذلت از دیدگاه نهج البلاغه

### مشخصات کتاب

سرشناسه: فلسفی، محمدتقی، ۱۳۷۷ - ۱۲۸۳  
 عنوان و نام پدیدآور: عزت و ذلت از دیدگاه نهج البلاغه / محمدتقی فلسفی  
 مشخصات نشر: تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹.  
 مشخصات ظاهری: ص ۴۰  
 فروست: (دانشنامه نهج البلاغه)  
 شابک: ۹۶۴-۶۳۴۸-۸۸-۳۱۶۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۶۳۴۸-۸۸-۳۱۶۰۰ ریال  
 وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی  
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس  
 عنوان دیگر: نهج البلاغه. برگزیده  
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- نهج البلاغه -- اخلاق  
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- اخلاق  
 شناسه افزوده: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. برگزیده  
 شناسه افزوده: بنیاد نهج البلاغه  
 رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۹/الف ۳ف ۸  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵  
 شماره کتابشناسی ملی: م ۷۹-۱۲۴۶۷

### مسئله عزت و ذلت در آیین مقدس اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

تمام مردم به تمیل طبیعی و کشش غریزه حب ذات علاقه دارند که در جمیع شئون زندگی و مظاهر حیاتی همواره از نعمت عزت و بزرگواری برخوردار باشند و از خواری و ذلت برکنار:

آئین مقدس اسلام مسئله عزت و ذلت را در تعالیم خود مورد کمال توجه قرار داده و مسلمانان را موظف نموده است که در حفظ عز و احترام خود کوشا باشند، بزرگواری و شرافت خویش را از آسیب مصون دارند و از گفتار و رفتاریکه به ذلت و خواری آنان می‌انجامد اجتناب نمایند.

عن ابیعبدا الله علیه السلام قال: «ان الله فوض الی المومن اموره کلها و لم یفوض الیه ان یکون ذلیلا اما تسمع الله عزوجل یقول و لله العزه و لرسوله و للمومنین قالمومن یکون عزیزا و لا یکون ذلیلا- وسائل کتاب امر بمعروف، باب کراهته العترض للذل».

امام صادق علیه السلام فرموده: خداوند کار مومنین را به خودشان واگذار نموده ولی اجازه نداده است خویشتن را ذلیل و خوار نمایند. مگر نشنیدی که خداوند در قرآن شریف فرموده: که عزت برای خدا و پیغمبر و مومنی است؟ پس شایسته افراد با ایمان عزت و بزرگواری است نه خواری و ذلت.

و عنه علیه السلام قال: «لا ینبغی للمومن ان یدل نفسه قلت بما یدل نفسه؟ قال یدخل فیما یعتذر منه» وسائل همان کتاب- و همان

باب.

و نیز فرموده است: سزاوار نیست که شخص با ایمان خود را ذلیل نماید. راوی حدیث سؤال کرد: چگونه خود را ذلیل می‌کند؟ در پاسخ فرمود: بکاری دست می‌زند که سرانجام باید از آن معذرت بخواهد.

عن علی علیه السلام قال: «الاستغنا عن العذرا اعز من الصدق به» نهج البلاغه کلمه ۳۲۹.

علی علیه السلام فرمود: خویشتن را از عذر خواهی بی نیاز داری بهتر است از اینکه با صدق و راستی به ذلت عذر خواهی تن در دهی.

و عنه علیه السلام: «و لا تجعل عرضك فرضا لنبال القول» نهج البلاغه نامه ۶۹.

[صفحه ۲]

علی علیه السلام ضمن نامه‌ای که بحارث همدانی نوشته خاطر نشان ساخته است که عملی انجام بده که عزت و آبرویت هدف تیرهای ملامت این و آن قرار نگیرد.

راغب در کتاب مفردات می‌گوید: «الغزه حاله مانعه للانسان من ان يغلب»

عزت یک حالت روحی و ترفع روانی است که نمی‌گذارد آدمی مشهور و مغلوب دگری شود و در مقابل کسی یا چیزی دچار شکست و خواری گردد.

بسیاری از مردم با آنکه عزیز النفسند و در خوش آمدها و بد آمدهای زندگی کمتر به ذلت و زبونی می‌گیرند با اینحال نقطه‌های ضعفی دارند که می‌توان از آن نقاط در آنها نفوذ نموده و قدرت مقاومتشان را در هم شکست. بعضی مشهور مالند و بعضی مشهور مقام. گروهی در مقابل تملق مغلوب می‌شوند و برخی در مقابل اقبال ادبار مردم. جمعی نقطه‌های ضعف دگری دارند و از عوامل دیگری شکست می‌خورند.

ولی اولیاء راستین خداوند که عز معنوی آنان وابسته و متکی بجز الهی است از نقاط ضعف و روحی مبری و متزهند، هرگز در جزر و مد حوادث دچار شکست شخصیت نمی‌شوند و هیچگاه بزرگواری و عز روحانی خویشتن را از دست نمی‌دهند.

## عزت نفس آسیب ناپذیر علی در نهج البلاغه

### اشاره

در اینجا بچند مورد از مواردی که در نهج البلاغه آمده و روشنگر اراده آهنین و عزت نفس آسیب ناپذیر علی علیه السلام است اشاره می‌شود.

### علی و مال

به عثمان بن حنیف فرماندار بصره نامه‌ای نوشته و در خلال آن فرموده است: «فو الله ما کثرت من دنیاکم تبراً و لا- ادخرت من غنائمها و فرا... و لاهی فی عینی اوهی و اهون من عصفه مقره» نهج البلاغه نامه ۴۵.

قسم بخدا که از دنیای شما طلا و نقره نیندوختم و از غنائم آمالی ذخیره نکردم... در نظرم دنیائی که در دست شما است از بلوط تلخ پست تر و خوارتر است.

### علی و مقام

قال عبدالله بن عباس «دخلت على اميرالمومنين عليهالسلام بذى قار و هو يخصف نعله فقال لى: ما قيمه هذا لنعل؟ فقلت: لا قيمه لها فقال عليهالسلام و الله لهى احب الى من امرتكم الا ان اقيم حقا او ادفع باطلا» نهج البلاغه خطبه ۳۳.

موقعی که علی علیه‌السلام با سپاهیان خود بطرف بصره می‌رفت عبدالله بن عباس در ذی قار حضورش شرفیاب شد دید آنحضرت کفش پای خود را می‌دوزد فرمود عبدالله قیمت این نعل چقدر است؟ پاسخ داد قیمتی ندارد.

فرمود بخدا قسم این کفش بی ارزش نزد من محبوب‌تر از ریاست و فرمانروائی بر شما است مگر آنکه بتوانم در پرتو این مقام اقامه حقی کنم یا باطل و یا دفع نمایم ظلمی را.

### علی و اقبال و ادبار مردم

عقیل بن ابیطالب نامه‌ای به برادرش نوشت و از رای آن

[صفحه ۳]

حضرت درباره جنگ با گروهی که بر ضد حکومت اسلام قیام کرده بودند پرسش نموده بود در پاسخ فرمود:

«و اما ما سئلت عنى من رايى فى القتال، فان رايى قتال المحلين حتى القى الله، لا يزيدينى كثره الناس حولى عزه، و لا تفرقهم عنى وحشه» نهج البلاغه نامه ۳۶.

اما آنچه از رای من درباره قتال پرسش نموده‌ای بنظر من با این گروه که جنگ را روا و حلال می‌دانند باید تا پای مرگ جنگید و ضمنا به برادر خاطر نشا ساخت که نه فرودنی مردم در اطراف من باعث ازدیاد عزتم می‌شود و نه پراکندگی آنان از گردم، مرا نگران می‌سازد.

### علی و تملق گویان

مردی حضور امیرالمومنین علیه‌السلام شرفیاب شد زبان تملق گشود و در مدح و ثنایش افراط نمود حضرت به او فرمود:

«انا دون ما تقول و ففو ما فى نفسك» نهج البلاغه، کلمه ۸۳.

من از اینهمه مدح و تمجیدی که به زبان آورده‌ای فروترم ولی از آنچه مرا پیش خود تصور کرده‌ای برتر و فراتر.

### علی و عرصه پیکار

آنقدر روحیه آن حضرت در جنگ قوی و شکست ناپذیر بود. که با قید قسم فرموده است:

«و لله لو تظاهرت العرب على قتالی لما وليت منها» نهج البلاغه نامه ۴۵.

قسم بخدا اگر تمام عربها پشت به پشت هم بدهند و در جنگ با من متحد شوند خود را نمی‌بازم و از پیکارشان روی برنمی‌گردانم.

### عزت مطلق مختص ذات اقدس الهی

عزت حیثیتی، عزت مطلق و عزت اصیل به ذات اقدس الهی اختصاص دارد چه او است که هرگز مغلوب و مقهور نمی‌شود و هیچگاه دچار ذلت و خواری نمی‌گردد.

قرآن شریف فرموده است: «ان ربك هو القوی العزیز» سوره‌ی ۱۱ آیه ۶۶.

بی‌گمان پروردگار تو است که قوی و عزیز است.

راغب می‌گوید: «العزیز الذی یقهر و لا یقهر»



عزیز کسی که مقهور می‌کند و خود هرگز مقهور نمی‌شود و این از اوصاف حضرت باریتعالی است. انسانها در هر مرتبه و مقامی که باشند عزتشان نسبی و غیر اصیل است و همواره مقهور قدرت لایزال الهی هستند قرآن شریف در این باره می‌فرماید:

«و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخیر» سوره‌ی ۶ آیه‌ی ۱۸.

او خداوند قاهر است که به همه بندگانش برتری و سلطه دارد و او است پروردگار حکیم و آگاه.

## عزت انسان در نهج‌البلاغه

بر همین اساس علی علیه‌السلام فرموده است:

[صفحه ۴]

«و کل عزیز غیره ذلیل و کل قوی غیره ضعیف» نهج‌البلاغه خطبه ۶۴.

هر عزیزی غیر از ذات اقدس الهی ذلیل است و هر توانائی جز پروردگار جهان ضعیف و ناتوان است. بشر که خود بالاصاله دارای عزت نفس و قدرت روح نیست اگر بخواهد به عزت روحی دست یابد و از قوت معنوی برخوردار گردد باید به عزیز واقعی متکی شود خود را بقدرت اصیل الهی پیوند دهد، و با استمداد از حضرت باریتعالی خویشتن را از سرمایه گرانقدر بزرگواری و عزت نفس برخوردار سازد تا در پرتو آن از ذلت و زبوی مصون بماند، بر مشکلات فائق آید، مقهور این و آن نشود، و در مقابل حوادث و رویدادها از پای در نیاید. و این خود از برنامه‌های مکتب قرآن شریف است.

«من کان یرید العزه فله العزه جمیعاً» سوره‌ی ۳۵ آیه‌ی ۱۰.

هر کس طالب عزت است بداند که عزت واقعی و اصیل، عزت تام و تمام به خداوند بزرگ اختصاص دارد.

آنان که از روی حقیقت بحضرت گرایش می‌یابند، به اطاعت و بندگی گش گردن می‌نهند، بی قید و شرط تسلیم وی می‌شوند، و راه پاکی و تقوی در پیش می‌گیرند از ذلت و پستی رهائی می‌یابند، به عزت واقعی نائل می‌گردند و رویدادهای زندگی به شخصیت آنان آسیب نمی‌رساند.

عن علی علیه‌السلام قال: «لا شرف اعلی من الاسلام و لا عز اعز من التقوی» نهج‌البلاغه کلمه ۳۸۱.

علی علیه‌السلام فرموده: نه هیچ شرافتی برتر از شرف اسلام است و نه هیچ عزتی عزیزتر از پرهیزکاری است.

«وعنه علیه‌السلام من تعزز بالله لم یدله سلطان» فهرست موضوعی غرر الحکم ص ۱۲۶

و نیز علی علیه‌السلام فرموده است: آنکس که در پرتو اتکاء بخداوند عز و بزرگی یابد هیچ سلطان قدرتمندی نمی‌تواند او را ذلیل و خوار نماید.

«و فی الحدیث کل عز لیس بالله فهو ذل» مفردات راغب (عز).

در حدیث آمده است هر عزتی که منشأ آن خدا نباشد و مسیر حق را نییامد در حقیقت ذلت و خواری است.

چه بسیاری مردمی که در گذشته و حال برای آنکه کسب عزت و شرف نمایند و به روان خود نیرو و توان بخشند مسیر شرک را در پیش گرفتند. به غیر خدا گرایش یافتند به این و آن دل بستند، خویشتن را بنده آنان ساختند، و همانند معبود شایسته پرستش فرمانش را بی قید و شرط اطاعت نمودند تا مگر بدینوسیله حمایتشان را بخود جلب کنند و در پرتو آنها نیرومند گردند غافل از آنکه عزت شرک آلود مایه‌ی ذلت است و بزرگی و شرفی که بغیر خدا متکی باشد موجب خواری

[صفحه ۵]

و حقارت.

عن علی علیه‌السلام قال: «من اتعز بغير الله ذل» فهرست موضوعی غرر الحکم ص ۱۲۶.

علی علیه‌السلام فرمود: آنکس که با اتکاء بغير خدا خویشتن را عزیز بحساب آورده دچار خواری و ذلت خواهد شد.

اینان که غیر خدا را برگزیده‌اند و اطاعتشان را بر اطاعت خدا مقدم داشته‌اند علاوه بر آنکه در قیامت استحقاق کیفر شرک دارند در دنیا نیز اغلب نگران و ناراحتند و از اینکه همانند بردگان اسیر برگزیدگان خود شده‌اند در باطن احساس ذلت و زبونی می‌کنند و بغض و کینه آنها را در دل می‌پرورند. قرآن شریف درباره این گروه فرموده است: «واتخذوا من دون الله آلهه لیکونوا لهم عزا کلا سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدا» سوره ی ۱۹ آیه ی ۸۱.

مشرکان، خدای یگانه را ترک گفته و غیر خدا را برگزیده‌اند که برای آنها مایه عزت و سربلندی باشد نه چنین است که خیلی زود از عبادت و اطاعت آنه روی گردان می‌شوند و بضدیت و خصومتشان قیام می‌نمایند.

هم اکنون در عصر ما بیشتر زمامداران کشورهای اسلامی کسانی هستند که از اتکاء بخداوند توانا سرباز زده‌اند، از اطاعت باری تعالی چشم پوشیده‌اند، عواطف دینی ملت مسلمان و با ایمان خویش را نادیده گرفته‌ان برای نیل بعز قدرت دنیوی و حفظ کرسی ریاست خود بندگی ابر قدرتهای شرق و غرب را پذیرا شده و اوامر ظالمانه و احیانا ضد انسانی آنها را بی کم و کاست اجراء می‌نمایند.

این زمامداران فرومایه و خود فروخته، ننگ عالم اسلام و مسلمانی مطرود خداوند بزرگ و پیامبر اسلامند. اینان مصداق واقعی این آیه از قرآن کریمه‌ان که چهارده قرن قبل بر نبی اکرم نازل شده است:

«الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المومنین ایتغون عندهم العزه فان العزه لله جمیعا» سوره ی ۴ آیه ی ۱۳۹.

آنان که کافران را بدوستی و فرمانروائی خود می‌گیرند و مومنین خداوند را ترک می‌گویند آیا عزت خویش را از کفار طلب می‌کنند؟

اینان سخت در اشتباهند که تمام مراتب و درجات عزت بخداوند توانا اختصاص دارد.

خدا را از یاد بردن، تعالیم الهی را نادیده انگاشتن، حق پرستی را سرکوب کردن، محیط اختناق بوجود آوردن، از مردم سلب آزادی نمودن، و خلاصه با اتکاء به اجانب و از راه بزهکاری و گناه بقدرت و مقام رسیدن نه تنها پیروزی انسانی و شرافتمندانه نیست بلکه در نظر علی علیه‌السلام دست یافتن بهدفع از راه گناه و ناپاکی خود نوعی شکست و مغلوبیت است.

[صفحه ۶]

«ما ظفر من ظفر الاثم به و الغالب بالشر مغلوب» نهج‌البلاغه کلمه ۳۲۷.

علی علیه‌السلام فرموده: پیروز نیست آنکس که گناه بر وی پیروز شده است و آنکس که با شر و بد کاری قدرت بدست آورده و غلبه کرده است در حقیقت مغلوب شده است.

این قبیل زمامداران غافل و نادان همانند شاه مخلوع ایران چند روزی سرمست پیروزی و عزت کاذب خود هستند و همچنان بسود ابر قدرتها و به زیان مردم خود قدم بر می‌دارند، ملت خویش را در عذاب و شکنجه نگاه می‌دارند تا روزی که پیمان صبر مردم ستمدیده لب ریز می‌شود، بطغیان و عصیان می‌گرایند، با خشم و خشونت بر فرمانروایان جبار خود می‌تازند، و مانند یل خروشان کاخ قدرتشان را از بیخ و بن می‌کنند و برسرشان ویران می‌سازند.

در آن مواقع است که زمامداران دست نشانده متوجه می‌شوند که در راه کسب عزت و قدرت مسیر خطا پیموده‌اند و ابر قدرتهای مورد اتکائشان قادر نیستند در این موقع حساس، طوفان انقلاب را مهار کنند، سیل خروشان نفرت و خشم مردم را فرو نشانند، خط بدبختی و سیه روزی را از نوکران خویش بگردانند، و آنان را از نابودی و سقوط، محافظت نمایند.

بدبختانه راه و رسم بیشتر مردم در گذشته و حال چنین بوده و هست که عزت و ذلت را تنها از جنبه ظاهریش می‌نگرند و به ریشه و منشاشان توجه ندارند، کسی که دارای قدرت و مقام است از هر دسته او گروه که باشد بزرگتر می‌شمردند و او را گرامی و عزیز

می‌دارند. هر چند اقتدارش ناشی از خیانت و جنایت باشد و کسی که ضعیف و فاقد قدرت است او را خوار و حقیر می‌شمرند هر چند ضعفش بر اثر اعمال ظالمانه و ناروای ستمگران و جباران باشد و این بر خلاف رویه و روش حضرت علی علیه‌السلام است چه آن حضرت ذلیل مظلوم را برای احقاق حقش احترام می‌کرد و قوی ظالم را برای کوتاه کردن دستش حقیر و خوار می‌شمرد و در بیان این مطلب چنین فرموده است: «الدلیل عندی عزیز حتی آخذ الحق له و القوی عندی ضعیف حتی آخذ الحق منه» نهج البلاغه خطبه ۳۷.

ذلیل نزد من عزیز و گرامی است تا حق او را از متجاوز بگیرم و قوی نزد من حقیر و ضعیف است تا حق مظلوم را از چنگ وی بدر آورم.

## علل تغییر عزت و ذلت در جامعه

### اشاره

علل و عوامل متعددی می‌تواند محیط را دگرگون کند، در اوضاع و احوال فرد و جامعه اثر بگذارد، عزیزان را ذلیل و خوار نماید، و به ذلیلان بزرگی و عزت بخشد. علی علیه‌السلام ضمن خطب و نامه‌ها و کلمات خود پاره‌ای از آن علل را خاطر نشان فرموده و قسمتی از آنها در نهج البلاغه آمده است و در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

### انقلاب

یکی از عواملی که در اجتماع اثر بنیادی دارد و تحولات بسیار عظیم و اساسی بیار می‌آورد انقلاب است. انقلاب اوضاع جامعه را زیر و رو می‌کند، معیارها و ضوابط را تغییر [صفحه ۷]

می‌دهد، و ارزشهای نوینی را جایگزین آنها می‌سازد بر اثر انقلاب گروهی سقوط می‌کنند و گروهی اوج می‌گیرند بسیاری از عزیزان ذلیل می‌شوند و بسیاری از ذلیلان بعزت می‌رسند. مستکبران گردنکش سرکوب می‌گردند و مستضعفان سرکوب شده رفعت و سربلندی می‌یابند. امام صادق علیه‌السلام درباره انقلاب و نتایج اجتماعی آن فرموده است.

«تمنو الفتنه ففیها هلاک الجباره و طهاره الارض من الفسقه» مجموعه ورام، ۲ ص ۸۷.

تمنای انقلاب کنید، فکر انقلاب در سر پیورید، و در آرزوی انقلاب باشد چه در طوفان انقلاب است که جباران زور گو و مستبدان خود سر به هلاکت می‌رسند و زمین از لوث وجود گناهکاران و متجاوزین پاک می‌گردد.

در این حدیث کلمه (فتنه) برای انقلاب اجتماعی بکار رفته است. (فتنه) دارای معانی متعددی است از آنجمله بمعنی انقلاب آمده است.

(اقرب الموارد) معانی فتنه را ذکر می‌کند و در پایان، می‌گوید، «اختلاف الناس فی الاراء و ما یقع بینهم من القتال» فتنه اختلافی اسن که در آراء و نظرات مردم پدید می‌آید و سرانجام منجر به درگیری و خونریزی می‌شود.

انقلاب مکتبی اسلام که چهارده قرن قبل در عصر نبی اکرم بنیانگذاری شد از جمله انقلابهای عظیم جهانی است که گذشت قرون و اعصار نتوانسته است آن را بدست فراموشی بسپارد و هم کنون صدها میلیون نفر در سراسر گیتی آن انقلاب را مقدس می‌شمرند و تعالیم آن را برای همه انسانها مایه سعادت و رستگاری می‌دانند.

انقلاب اسلامی تحولات و دگرگونی‌های عمیقی در جمیع شئون مادی و معنوی جامعه بوجود آورد، عقاید و افکار مردم را تغییر داد، اخلاق و اعمال آنان را اصلاح نمود و اجتماع را از قوانین و سنن سعادت بخش برخوردار ساخت. چه بسیار عزت‌ها را به ذلت و ذلت‌ها را بعزت مبدل نمود و روابط انسانها را بر معیارهای جدید پایه گذاری کرد.

علی علیه‌السلام در یکی از خطبه‌های خویش پیرامون قیام رسول گرامی و گرایش پاکان به آنحضرت سخن گفته و در ضمن به پاره‌ای از نتایج انقلاب اشاره نموده و چنین فرموده است:

«دفن الله به الضغائن و اطفاء به الثوائر الف به اخوانا و قرن به اقرانا اعز به الذله و اذل به العزه ... نهج‌البلاغه خطبه ۹۶.

خداوند بوسیله پیشوای اسلام و در پرتو انقلاب اسلامی، کینه‌های درونی مردم عصر جاهلیت را در ضمیرشان دفن نمود و آنها را از اثر انداخت. شعله‌های زینبار دشمنی را که باعث ضررهای گوناگون و احیاناً قتل و خونریزی می‌شد خاموش کرد. با پیوندهای دینی از یکطرف افراد پراکنده را بهم نزدیک نمود بین آنان الفت و برادری برقرار ساخت و از طرف دیگر روابط

[صفحه ۸]

جاهلانه را از بین مردم برانداخت و کسانی که در عصر جاهلیت قرین و عدیل یکدیگر بودند از هم جدا کرد. خداوند بوسیله پیامبر گرامی، ذلت و خواری را به عزت برگرداند و هم بوسیله او عزت را به ذلت تبدیل کرد.

در عصر جاهلیت بتها مورد کمال تکریم و احترام بودند و بت پرستان نیز عزیز و گرامی. در عصر جاهلیت دختر زنده بگور کردن باعث سربلندی و افتخار بود و دختر را زنده نگاهداشتن مایه ننگ و ذلت. در عصر اسلام زنده بگور کردن دختران عمل جنائی و مایه شرمساری و سرافکندگی شناخته شد و زنده نگه داشتن آنان از وظائف انسانی و اسلامی تلقی گردید. در عصر جاهلیت گردنکشی و زور گوئی نشانه قدرت و بزرگی بود و قدرتمندان خو سر و مستبد مورد عزت و احترام بودند در عصر اسلام رعایت عدل و قانون معیار بزرگی و عزت شد و گردنکشی و جبارت موجب خواری و حقارت. در انقلاب اسلامی جباران ستمگر بذلت و پستی افتادند و از اوج بزرگی و قدرت بحضیض عجز سقوط کردند و مستضعفان ذلیل و مردم به اوج بزرگی و عزت رسیدند و وارث حکومت مستکبران شدند.

در صدر اسلام آل امیه در برابر آل هاشم صف آرائی کردند و برای آنکه از پیشرفت رسول گرامی و گسترش اسلام جلوگیری نمایند به توطئه‌های خائنه دست زدند و از تمام وسائل استفاده نمودند و اما نقشه‌های آنان نقش بر آب شد. سرانجام دین خدا پیروز گردید، پیشوای اسلام و مسلمانان غلبه کردند، آل امیه با همه غرور و تکبرشان مغلوب شدند، انقلاب اسلامی، قوانین الهی، عزت کاذب و ظالمانه آنان را نابود ساخت، و ناچار شدند در پیشگاه اسلام و مسلمین سر ذلت و خواری فرود آوردند.

علی علیه‌السلام ضمن نامه‌ای که به معاویه نوشته و در نهج‌البلاغه آمده است با جملات کوتاهی تاریخ گذشته و سوابق ننگین آل امیه را شرح داده و در پایان از فضیلت اسلام یاد کرده و به مقررات ذلت بار آن برای مستکبرین و عزت آفرین آن برای مستضعفین اشاره کرده است.

... «و اما قولك انا بنو عبد مناف فكذلك نحن و لكن ليس اميه كهاشم و لا حرب كعبد المطلب و لا ابو سفیان كابی طالب و لا المهاجر كالطليق و لا الصريح كالصيق و لا المحق كالمبطل و لا المومن كالمدغل و لبئس الخلف خلف يتبع سلفا هوى في نار جهنم و في ايدينا بعد فضل انبوه التي اذلنا بها العزيز و نعشنا بها الدليل» نهج‌البلاغه نامه ۱۷.

ترجمه: اینکه گفته‌ای ما فرزندان عبد منافیم ما نیز فرزندان او هستیم و ما بین ما و شما تفاوت بسیار است نه امید مانند هاشم است و نه حرب مانند عبدالمطلب. نه ابو سفیان مثل ابو طالب است و نه مهاجر همانند آزاد شده. نه نسب صریح مانند نسب الحاق است، نه راستگو مانند دروغگو، و نه مومن همانند منافق است چه بد فرزندی است آنکه از پدر مرده و جهنمی خود

[صفحه ۹]

پیروی می‌کنند هر یک از این جملات که امام علیه‌السلام در نامه خود آورده به گوشه‌هایی از تاریخ اشاره می‌کند که پاره‌ای از آنها روشنگر افتخارات آل هاشم است و قسمتی یاد آور ننگ‌های بنی امیه.

سپس امام (ع) در نامه خود خاطر نشان می‌فرماید که از همه این تفاوتها گذشته ما برتری و امتیاز نبوت است که بوسیله احکام و مقررات آن عزیزان گردنکش و خود سر را خوار و ذلیل نمودیم و به ذلیلان مستضعف و مظلوم بزرگی و عزت بخشیدیم.

روزی که مرم با علی علیه‌السلام بخلافت بیعت کردند و زمام امور مملکت را به وی سپردند حضرتش تصمیم گرفت در اداره امور کشور روش انقلابی رد پیش گیرد و شمولاتی عمیق و اساسی بوجود آورد زیرا می‌دانست در طول بیست و چند سالی که از مرگ رسول گرامی گذشته در مملکت انحرافهایی پدید آمده است بعضی از شغلهی حساس مملکت بدست افراد ناصالح افتاده، پاره‌ای از مسائل اسلامی به دست فراموشی سپرده شده و قسمتی از بیت المال مسلمین بمصارف ناروا می‌رسد و باید تمام این امور بر وفق معیارهای اسامی اصلاح گردد.

علی علیه‌السلام متوجه بود که با ایجاد روش انقلابی، دگرگونیهای عظیمی پدید می‌آید، جامعه زیر و رو می‌شود، بسیاری از عزیزان خوار می‌گردند، و گروهی از ذلیلان به بزرگی و عزت می‌رسند. عده‌ای از افراد شاغل از خدمات دولتی بر کنار می‌شوند و عده‌ای از بر کناران عهده دار کارهای مهم می‌گردند از این رو ضمن اولین خطبه‌ای که در مدینه پس از بیعت مردم ایران نمود جامعه را از شمولات و تغییراتی که با آنها مواجه خواهند شد آگاه ساخت و فرمود:

«... الا و ان بلیتکم قد عادت کھیاتها یوم بعث الله نیکم (صلی الله علیه و آله) و الذی بعثه بالحق لتبلین، و لتغربن غربله و لتساطن سوط القدر، حتی یعود اسفلکم اعلاکم و اعلاکم اسفلکم» نهج‌البلاغه خطبه ۱۶.

«آگاه باشید که امتحان و ابتلاء شما دوباره بازگشت نموده است همانند روزی که خداوند پیامبر اسلام را به نبوت برانگیخت. قسم به خدائی که او را به حق مبعوث نمود در حکومتشان بهم ریخته می‌شوید، سپس با غربال امتحان از یکدیگر ممتاز می‌گردید، و مانند ریگی که محتوای آن را بر هم زده باشند زیر و رو می‌گردید تا جائی که

[صفحه ۱۰]

بعضی از شماها که در سطح زیرین جامعه قرار دارید بالا می‌آئید و بعضی که در سطح بالا هستید بزیر می‌روید و سقوط می‌کنید.» علی علیه‌السلام روش انقلابی خود را خیلی زود آغاز نمود و با سرعت به اصلاحات اساسی دست زد و اما از یکطرف آنانکه خویشتن را در معرض خطر و احیاناً سقوط احساس می‌کردند به کار شکنی و اخلال، تصمیم گرفتند، توطئه‌ها نمودند، جنگ داخلی به راه انداختند، و در راه حکومت علی (ع) ایجاد موانع کردند و از طرف دیگر دوستان ناآگاه آنحضرت به سستی گرائیدند، در مقابل رویدادها بی تفاوت شدن، از یاری رهبر خود شانه خالی کردند، و عملاً او را تنها گذاردند در نتیجه علی علیه‌السلام در اداره مملکت با مشکلات گوناگون مواجه شد و پیش از آنکه نقشه اصلاحی خویش را پیاده کند به درجه‌ی رفیعه شهادت نائل گردید و مسلمین بزرگترین شخص اسلامی و گرانقدرترین سرمایه اجتماعی خود را از دست دادند.

خلاصه انقلاب اولین عامل تحول محیط و موثرترین وسیله تغییر عزتها و ذلتها است همانطور که در کشور خودمان از نزدیک مشاهده کردیم انقلاب عظیم ایران اوضاع و احوال مملکت را بکلی زیر و رو کرد، عزیزان عصر طاغوت را ذلیل نمود، بینی مستکبران رژیم گذشته را بخاک مالید مستضعفان، در پرتو انقلاب، عزت و قدرت بدست آوردند. مستکبران را به بند کشیدند در دادگاه انقلاب جنایات را یک بیک برشمردند، و سرانجام به اعدام محکومشان ساختند.

## جهاد

دومین عاملی که ترک آن در عزت و ذلت فردی و اجتماعی تاثیر اساسی دارد جهاد است کسانی که در راه اعلاء حق و اقامه عدل

از خود می‌گذرند و آماده مرگ و فداکاری می‌شوند شایسته عز و عظمت هستند و لایق سروری نیرومندی. بر عکس آنان که از جهاد در راه حق و عدالت سر باز می‌زنند و از وظیفه مقدس جهاد شانه خالی می‌کنند لیاقت بزرگی و عزت ندارند و باید همواره ذلیل و خوار باشند.

علی علیه‌السلام در یکی از خطبه‌های خود چنین فرموده است:

«اما بعد فان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصه اوليائه، و هو لباس التقوى و درع الله الحصينه، و جنته الوثيقه، فمن تركه رغبه عنه البسه الله الذل شمله البلاء، و ديث بالصفار و القماء» نهج‌البلاغه خطبه ۲۷.

«جهاد، یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را به روی اولیاء خود گشوده است.

[صفحه ۱۱]

جهاد لباس تقوی و زره محکم و نگهبان مطمئن است کسی که از روی بی‌اعتنائی از آن اعراض نماید و به وظیفه‌ی مقدس سربازی عمل نکند خداوند بر وی جامه ذلت می‌پوشاند، بلائی او را در بر می‌گیرد و به حقارت و خواری شدید دچار خواهد شد.»

از جمله مشکلات که علی علیه‌السلام را در اطراف ایام زمامداری بشدت رنج می‌داد سستی و مسامحه یارانش در انجام وظیفه پیکار با دشمن بود چه این بی‌تفاوتی و تسامح از طرفی باعث تقویت جبهه‌ی معاویه شد و بر جرات و جسارت سپاهیان وی افزود و از طرف دیگر جبهه‌ی علی علیه‌السلام را تضعیف نمود. لشکریان آن حضرت را از عز و عظمت انداخت، و زمینه خواری و ذلتشان را فراهم آورد. امام علیه‌السلام از آنهمه ضعف و سستی سخت آزرده خاطر و ناراحت بود و در موارد متعدد با ایراد خطابه‌های تند و آتشین مراتب تاثرات درونی خویش را آشکار ساخت او در یکی از خطبه‌های خود چنین فرمود:

«اف لكم لقد سئت عتابكم! ارضيتم بالحياه الدنيا من الاخره عوضا؟ و بالذل من العز خلفا؟ اذا دعوتكم الى جهاد عدوكم دارت عينكم كانكم من الموت في غمره، و من الذهول في سكره» نهج‌البلاغه خطبه ۳۴.

اف باد بر شما که من از تو بیخ و عتابتان سخت ملول و رنجیده خاطریم. آیا راضی شدید که حیات جاودان آخرت را به زندگی گذران دنیا مبادله کنید؟ آیا راضی شدید که ذلت و خواری را جایگزین عز و شرافت سازید؟ وقتی شما را بجهاد با دشمنان می‌خوانم چشمانتان آنچنان با نگرانی و اضطراب در حدقه می‌گردد که گوئی در چنگال مرگ قرار گرفته‌اید و همانند مستان غالغ از شناخت مصلحت خود نا آگاه و بی‌خبرید.

[صفحه ۱۲]

در خطبه دیگر می‌فرماید:

«الا و انی قد دعوتکم الی تقال هولاء القوم لیلا و نهارا و سرا و علانا، و قلت لكم: اغزوه من قبل ان یغزوکم، فوالله ما غزی قوم قط فی عقر دارهم الا ذلوا، فتوا کلتم و تخاذلتم حتی شنت علیکم الغارات، و مملکت علیکم الاوطان» نهج‌البلاغه خطبه ۲۷.

من شما را برای جنگ با معاویه و پیروانش روز و شب و آشکار و نهان دعوت نمودم و به شما گفتم مهاجم باشید نه مدافع با آنان بجنگید قبل از آن که با شما بجنگند که قسم بخدا هیچ قومی در داخل خانه خود با دشمن درگیر نشدند مگر آنکه ذلیل و خوار گشتند به توصیه و تاکید من توجه ننمودید، هر یک به اتکال دیگری از پیکار با دشمن نشانه خالی کردید و از همکاری و یاری هم سرباز زدید. نتیجه سهل انگاری و بی‌اعتنائی بجهاد آن شد که اموالتان بغارت رفت و دیارتان در اختیار دشمن قرار گرفت.

در قسمت دیگر خطبه می‌فرماید:

«فاذا امرتکم بالسير اليهم فی ایام الحر قلم هذه حمارة القيظ امهلنا یسبح عنا الحر، و اذا امرتکم بالسير اليهم فی الشتاء قلم هذه صباره القرا مهلنا ینسلخ عنا البرد، کل هذا فرارا من الحرو القر، فاذا کنتم من الحر و القر تفرون فانتم و الله من السیف افر» نهج‌البلاغه خطبه ۲۷.

وقتی در فصل تابستان فرمان بسیج می‌دهم و می‌گویم بسوی دشمن روان شوید پاسخ می‌گوئید این فصل شدت گرما است بما مهلت ده تا حرارت هوا کاهش یابد وقتی در زمستان دستور [صفحه ۱۳]

حرکت می‌دهم می‌گوئید هم اکنون برودت هوا شدید است مهلت ده تا سرما سپری شود. تمام این گفته‌ها برای فرار از گرما و سرما است و شما که از سرما و گرمی هوا اینچنین گریزانید بخدا قسم از شمشیر گریزان تر خواهید بود. در خلال خطبه دیگری فرموده:

«کَلِمَا أَطَّلَ عَلَيْكُمْ مَنْسَرٌ مِنْ مَنَا سِرِ أَهْلِ الشَّامِ أَغْلَقَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بَابَهُ، وَ الْحَجَرُ أَنْحَجَارُ الضَّبْقَةِ فِي حَجَرِهَا، وَ الضَّبْعُ فِي وَجْهِهَا وَ الدَّلِيلُ وَ اللَّهُ مِنْ نَصْرَتِمْوَه، وَ مِنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدَرَمَى بِأَفْوَقِ نَاصِلٍ» خطبه ۶۸.

هر گاه گروهی در لشکر شام بشما نزدیک شود هر یک بخانه خود می‌گریزد، در می‌بندید، و در کنجی پنهان می‌شوید همانطور که سوسمار در سوراخ خود می‌خزد و کفتار به لانه خویش پناه می‌برد. بخدا قسم ذلیل آنکس است که یار و مدد کارش شما باشید. شمن که مورد تعرض شما واقع می‌شود همانند کسی است که هدف تیر قرار گرفته اما تیری که سرش شکسته و فاقد پیکان باشد واضح است چنین تیری به دشمن آسیب و زیان نمی‌رساند.

علی علیه‌السلام در اواخر عمر خویش از مسامحه و سستی مردم در راه جهاد بسیار متأثر و ناراحت بود و مکرر مراتب تأثر شدید خود را در منابر به زبان می‌آورد حتی در یکی از سخنرانی‌ها با عباراتی بسیار تند آنان را مخاطب ساخت و فرمود:

«قَاتَلَكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا، وَ شَحْنْتُمْ صَدْرِي غَيْظًا، وَ جَرَّ عَتْمُونِي نَعْبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَ أَفْسَدْتُمْ عَلِيَّ رَأْيِي بِالْعَصِيَانِ وَ الْخَذْلَانِ حَتَّى قَالَتْ قَرِيْشُ أَنْ ابْنِ ابْتَالِبِ رَجُلٌ شَجَاعٌ وَ لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ» نهج‌البلاغه خطبه ۲۷.

[صفحه ۱۴]

خدا شما را بکشد که دل مجروحم را از چرک و خون مالا مال کردید و سینه‌ام را از خشم و غیظ آکنده ساختید. در هر نفسی جرعه‌ای از هم و غم بمن نوشاندید و با عصیان و سرپیچی از فرمانم و رای مرا فاسد و تباه نمودید تا جائیکه قریش درباره‌ام گفتند پسر ابوطالب مرد شجاعی است ولی از فنون جنگ آگاهی ندارد.

سپس فرمود آیا هیچیک از آنان بیش از من در کار سربازی مهارت داشته و زودتر از من به میدان کارزار قدم گذارده است؟ هنوز بیست سالم نشده بود که برای پیکار با دشمنان قیام کردم و هم اکنون سنم از شصت سال گذشتهاست و فرمانم اجراء نمی‌شود و

سپاهیان از دستورم اطاعت نمی‌کنند و فرماندهی این چنین چه رای و تدبیری می‌تواند داشته باشد (ولکن لا رای لمن لا یطاع) گاهی در منبر از مومنین راستین و مجاهدین واقعی یاد می‌کرد و از آنان که مرگ در راه خدا را با آغوش باز استقبال می‌نمودند و در کشته شدن از هم سبقت می‌گرفتند نام می‌برد و مراتب تأسف و تأثر خویش را از فقدان آنان ابراز می‌داشتند.

«این اخوانی الدین رکبوا لا طریق و مضوا علی الحق این عمار؟ این ابن‌التهیهان؟ و این ذو‌الشهادتین و این نظر اوهم من اخوانهم الذین تعاهد و اعلی الفینه و ابرد بروسهم الی الفجره» نهج‌البلاغه خطبه ۱۸۱.

«کجا هستند برادرانم آنان که براه می‌افتادند و مسیر حق می‌پیمودند؟ کجا است عمار و یاسر؟ کجا است ابو‌الهیثم مالک بن‌تهیهان؟ کجا است خزیمه بن‌ثابت انصاری؟ کجا هستند همانندهای آنان از برادرانشان از آنان که پیمان مرگ بستند و پس از کشته شدن سرهای مقدسشان با پی دشمن برای گناهکاران جبار فرستاده می‌شد؟»

(نوف بکالی) راوی خطبه می‌گوید: در این موقع علی علیه‌السلام از شدت تأثر دست خود را با ضرب به محاسن خویش زد و مدتی گریست.

ثم قال: «اوه علی اخوانی الذین تلوا القرآن

[صفحه ۱۵]

فاحکموه و تدبر و الفرض فاقاموه احيوا السنه و اما توا البدعه دعوا للجهاد فاجابوا و وثقو بالقائد فاتبعوه» نهج‌البلاغه خطبه ۱۸۲ سپس فرمود افسوس بر برادرانم آنان که آنان را با اطمینان خاطر پذیرفتند، و آن را فرمان محکم و متقی الهی تلقی نمودند. در فریضه الهی، مطالبه و تدبر نمودند و به اقامه آن همت گماردند. سنت خدا را زنده کردند، و بدعت را از میان بردند. به جهاد دعوت شدند، به آن پاسخ مثبت دادند و در میدان کارزار پیکار نمودند به پیشوای خود اعتماد داشتند از این رو مطیع فرمانش بودند، و صمیمانه از وی پیروی می‌کردند.

مصائب جانکاه و دردناکی که علی علیه‌السلام را در اواخر عمر رنج می‌داد بقدری سنگین و طاقت فرسا بود که همواره آرزوی مرگ داشت بهمین جهت ضربت مرگ بار عبدالرحمن ملجم را برای خود فوزی عظیم و مایه نجات تلقی نمود و در همان لحظه که خون از سرش می‌ریخت می‌فرمود: به خدای کعبه سوگند که آسوده شدم و از زندگی سراپا شکنجه و عذاب رهایی یافتم. مهمترین عاملی که زندگی را بر امیرالمومنین و دیگر افراد با ایمان تلخ و ناگوار ساخت و باعث آن همه تیره روزی و مصیبت گردید تخلف مردم از وظیفه سربازی و خود داری آنان از جهاد و فدا کاری بود. اگر مسلمانان که آن روز همانند عمار و یاسرها، ابوالهیثم‌ها و خزیمه‌ها از جهاد در راه خدا استقبال می‌نمودند و امر امام خود را با علاقه و رغبت اطاعت می‌کردند هرگز امام آنقدر متاثر و متالم نمی‌بود و خود مردم نیز دچار آنهمه ذلت و خواری نمی‌شدند، و دشمن بر آنان چیره نمی‌گشت، و عدل و ایمان پایمال نمی‌گردید ولی افسوس از فرمان علی (ع) سرباز زدند، مسیر حق و فضیلت را ترک گفتند، از جهاد در راه خدا شانه خالی کردند، و بدینوسیله راه پیروزی معاویه و سپاهیان را هموار ساختند، و با دست خود موجبات حقارت و پستی خویش را فراهم آوردند.

تاریخ حکومت علی علیه‌السلام برای مردم امروز ایران بسیار آموزنده و مفید است باید آن را با دقت مرود مطالعه و بررسی قرار دهند، حوادث و رویدادهای آن زمان را تجزیه و تحلیل کنند، از آنها درس عبرت بگیرند. و از مجموع بررسیها، وظائف کنونی خویش را در راه بثمر رساندن انقلاب سلامی ایران بشناسند، و عملا به انجام آن وظائف اقدام نمایند. در کشور ایران انقلاب عظیمی بمنظور بر انداختن رژیم طاغوتی و مستقر ساختن جمهوری اسلامی بوقوع پیوست و تمام قشرهای ملت ایران برهبری مرجع بزرگ عال تشیع امام امت خمینی کبیر در این انقلاب شرکت کردند و در پرتو اتحاد و اتفاق عموم مردم و بر اثر فدا کاری و از خود گذشتگی افراد با ایمان، سرانجام رژیم طاغوتی سرنگون شد و انقلاب عظیم ایران به قیمت شصت هزار کشته و صد هزار مصدوم و معلول که شاید بعضی از آنان در خلوص

[صفحه ۱۶]

ایمان همانند عمار و یاسر بودند پیروز گردید.

هم اکنون که در حدود یکسال و نیم از پیروزی انقلاب می‌گذرد [۱] و در طول این مدت مردم ایران چندین بار پای صندوقهای رای رفتند و برای ایجاد همه سازمانها و تشکیلاتی که جمهوری اسلامی لازم بود و به آراء عمومی نیاز داشت رای دادند ولی با اینهمه، پیروزی نهائی بدست نیامده و مسئولیت مردم در این راه پایان نیافته است. باید ملت ایران برای رسیدن به هدف همچنان متحد و هم آهنگ باشند، با تصمیم قاطع به فعالیت انقلابی خویش ادامه دهند، و مانند گذشته برای فدا کاری و جهاد در راه خدا آماده و مهیا باشند. تا موفق شوند موانع را از سر راه انقلاب خود بردارند و نهضت اسلامی خویش را بسر منزل مقصود برسانند.

اگر ابر قدرتها و گروههای ضد انقلاب بتواند بمنویات خائنانه خویش جامه تحقق ببوشانند، در جامعه ما ایجاد نومیدی کنند، اراده مردم را متزلزل نمایند، اتفاق و اتحاد آنان را بر هم زنند، و شور شهادت و فداکاری را از صفحه‌ی خاطرشان بزدايند، توانسته‌اند انقلاب ایران را از حرکت باز دارند، خون شهیدان را پایمال نمایند بزرگترین ضربه را به مردم وارد آورند. و عزت و پیروزی آنان



را به ذلت مبدل سازند و سرانجام بهمان سرنوشتی دچار شویم که یاران بیوفا و دوستان نادان و نا هم آهنگ علی (ع) به آن دچار شدند امام خود را دلخون کردند، از فرمانش روی گرداندند، خویشتن را ذلیل و خوار نمودند، آل امیه خونخوار و جبار را بر خود مسلط ساختند، و سالیان دراز خودشان و فرزندانشان همانند بندگان و بردگان اسیر دست آنها بودند.

خلاصه عامل دومی که مایه عز و بزرگواری است و به فرد جامعه برتری و افتخار می‌بخشد جهاد کردن برای خدا و تن دادن به فداکاری در راه رضای او است.

بفرموده علی رسول خدا (ص) جهاد یکی از درهای بهشت است که باریتعالی آن را بروی اولیاء خود گشوده است. کسی که به این وظیفه مقدس عمل نمی‌کند و با بی‌اعتنائی از آن روی می‌گرداند خداوند بر وی جامعه ذلت می‌پوشاند و به پستی و خواریش دچار می‌کند.

### رابطه حکومت و مردم

سومین عاملی که می‌تواند منشأ عزت و ذلت باشد و در شرایط متفاوت موجبات بزرگی و عظمت یا خواری و حقارت گروه یا جامعه را فراهم آورد چگونگی رابطه مردم با حکومت و حکومت با مردم است و این مطلب را علی علیه‌السلام ضمن خطبه‌ای که در صفین ایراد فرموده و در نهج‌البلاغه آمده است خاطر نشان ساخته است.

در این خطبه امیرالمؤمنین علیه‌السلام پیرامون حقوقی که خداوند بنفع گروهی در عهده‌ی گروه دیگر فرموده بطور اجمال سخن می‌گوید و سپس می‌فرماید:

[صفحه ۱۷]

«و اعظم ما افترض سبحانه من تلك الحقوق حق الوالی علی الرعیه و حق الرعیه علی الوالی، فریضه فرضها الله سبحانه لكل علی کل، فجعلها نظاما لا لفتهم، و عزا لدينهم، فليست تصلح الرعیه الا بصلاح الولاه، و لا تصلح الولاه الا بساقيه الرعیه، فاذا ادت الرعیه الی الوالی حقها، وادی الوالی الیها حقها، عز الحق بینهم، و قامت منا هج الدین، و اعتدلت معالم العدل، و جرت علی اذلالها السنن فصلح بذلك الزمان، و طمع فی بقاء الدوله، و یشت مطامع الاعداء، و اذا غلبت الرعیه و الیها، او اجحف الوالی برعیته، اختلفت هنا لك الكلمه، و ظهرت معالم الجور، و كثر الادغال فی الدین، و تركت محاج السنن، فعمل بالهوی، و عطلت الاحكام، و كثرت علل النفوس، فلا یستوحش لعظیم حق عطل، و لا لعظیم باطل فعل، فهنا لك تذلل الابرار، و تعز الاشرار» خطبه ۲۰۷.

«بزرگترین فریضه الهی از این حقوق حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است و این خود یک فریضه‌ای است که خداوند آن را بر تمام مردم بنفع مردم واجب نموده و آن را معیار نظم برای الفتهای اجتماعی در روابط عمومی و همچنین مایه عز و عظمت برای دین آنان قرار داده است.

در حکومت حکام وضع مردم خوب و رضایت بخش نخواهد شد مگر آنکه رفتار آنان با مردم خوب باشد و همچنین وضع وحدت مردم و حکام خوب نمی‌شود مگر آنکه مردم تحت فرمانشان با استقامت و پایداری حق را رعایت

[صفحه ۱۸]

کنند و از دستور آنان اطاعت نمایند.

موقعی که مردم حق والی را اداء کنند و والی نیز حق مردم را اداء نمایند حق در بین جامعه عزیز و گرامی خواهد شد مقررات و قوانین دین اجراء می‌شود. توزان در نشانه‌های عدل پدیدار می‌گردد، و سنن الهی در مسیر حق بجریان می‌افتد. در چنین شرائطی روزگار مردم بخوبی طی می‌شود، زمینه امیدواری به بقاء دولت فراهم می‌آید، و طمع دشمنان نسبت بکشور قطع می‌گردد، بر عکس اگر مردم بر دولت چیره شوند یا والی بمردم ستم نماید در این موقع مملکت دچار پراکندگی و اختلاف کلمه می‌شود،

نشانه‌های جور و بیداد، آشکار می‌گردد عوامل تباهی و فساد دین افزایش می‌یابد، راه سنن الهی متروک می‌ماند، پیروی از هوای نفس معمول می‌شود، احکام به تعطیل و توقف می‌گراید. بیماریهای روحی افزوده می‌گردد، و کار بجائی می‌رسد که وقفه و تعطیل هیچ حقی بزرگی در جامعه نگرانی بیار نمی‌آورد و عمل هیچ باطل بزرگی مردم را متوحش نمی‌کند. در این موقع است که نیکوکاران ذلیل و خوار می‌گردند و اشرار و بد کاران عزیز و گرامی می‌شوند.»

برای آن که انقلاب اسلامی ایران بثمر نهائی برسد و جامعه از فوائد مادی و معنوی آن برخوردار گردد باید مردم ایران و دولت جدید، کنه مثبت این خطبه را مورد کمال توجه قرار دهند و تعالیم حیات بخش آن را بموقع اجراء بگذارند. باید دولت حقوق مردم را بدرستی رعایت کنند و درباره‌ی آنان تعدی و اجحاف روا ندارد. باید مردم نیز در اداء حقوق دولت کوشا باشند و از اوامر حکومت تخلف و سرپیچی نمایند. در این صورت است که حق در نظر مردم عزیز و محترم می‌شود، مقررات اسلامی اجراء می‌گردد، جامعه بعدل و داد می‌گراید، ملت به رفاه واقعیت نائل می‌شود، بیگانگان از استعمار کشور قطع امید می‌نمایند، و حکومت مستقل و آزاد جمهوری اسلامی بمعنی

[صفحه ۱۹]

واقعیش تحقق می‌یابد.

بر عکس اگر کنه منفی خطبه علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل بیوشد، دولت حقوق مردم را رعایت ننماید و به آنان ستم کند مردم نیز حق دولت را اداء نمایند و از اطاعتش سرباز زنند در چنی موقعی علائم جور و بیدادگری آشکار می‌گردد، مقررات دین عملاً متروک می‌شود. مردم بهوا پرستی می‌گرایند، پاکان و نیکان ذلیل و منزی می‌شوند بد کاران و نا پاکان بعزت و قدرت می‌رسند، خون شهیدان انقلاب پایمال می‌گردد و از جمهوری اسلامی جز نام بی نشان باقی نمی‌ماند. نعوذ بالله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا.

خلاصه سومین عامل که در شرائط متفاوت مایه عزت و ذلت است و در سخنان علی علیه‌السلام آمده است چگونگی روابط ملت با حکومت و حکومت با ملت است. روابط صالح می‌تواند مردم و هیئت حاکم را به اوج عزت و عظمت برساند و از آزادی و رفاه زندگی برخوردارشان سازد و روابط ناصالح و ظالمانه می‌تواند آنان را به حضيض ذلت و بدبختی سوق دهد و موجبات سیه روزی و محرومیتشان را فراهم آورد.

## پاورقی

[۱] این مقاله مربوط به اواسط سال ۱۳۵۹ می‌باشد.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

